



اسپوتنیک- قلعه‌ای در جزیره آوالون انگلستان که مردم افسانه‌هایی درباره‌اش ساخته‌اند

مترو- جسد هزاران ماهی در رودخانه‌ای در پاراگوئه که به طور رموزی مرده‌اند



رویترز- نوزاد تازه به دنیا آمده در اردوگاه آوارگان روهینگایی، بنگلادش

- در محضر بزرگان

شوهرت سیبل تیراندازی نیست!

حجت‌الاسلام رفیعی در نکوهش رفتار ناپسند بعضی از خانم‌ها با شوهران خود گفته‌اند:

«گاهی بعضی از خانم‌ها در محیط خانواده بدخلقی‌هایی می‌کنند که به سرد شدن کانون خانواده منجر می‌شود؛ مرد را سیبل تیراندازی برخورد‌هایشان می‌دانند و ریشه همه مشکلات را در او می‌بینند که این رفتارها اصلاً خوب نیست و آثار بدی دارد. در روایت داریم اگر زنی به مردش بگوید من در خانه‌تو خیر ندیدم؛ نماز و روزه‌ای که آن روز خوانده و گرفته در پیشگاه خدا از بین می‌رود.» منبع: تارنمای سمت خدا

- پند نیکان



- سفرنامه

پوشش‌کردهای عزیز در زمان قاجار

«اوژن فلاندن» فرانسوی که در زمان محمدشاه قاجار به ایران سفر کرده بود، درباره نحوه پوشش مردم ایران به خصوص کردها در آن زمان می‌نویسد: «در ایران هر ناحیه‌ای لباس ویژه خود را دارد. مثلاً لباس کرده‌ایم تنه‌هایی به رنگ های آبی، سرخ یا زرد است که رویش جلیقه پوشیده و به دور کمر شال یا کمربند چرمی می‌بندند. به سمت راست کمر حلقه‌ای از پوستین کرگدن آویزان و نوکش را با حلقه‌های طلایی‌ترین می‌کردند. در طرف چپ هم شمشیری قوسی شکل داشته‌اند که در غلافی از پوست روباه سیاه بوده است. اغلب تپانچه‌ای می‌بندند که بندش به گردن آویزان است. شلوارهای فراخ‌شان به روی میچ یا افتاده که گاهی باانوارهای پهن به‌روی قوزک می‌بندند. کش‌های مردم‌نوک‌برگشته‌وشیبه به‌چینی هاست. کلاه بعضی درازونوک‌تیز از نمد حنایی‌رنگ و از برخی عرقچین سرخ‌رنگ است که در جلوی پیشانی نواری دارد. در میان‌شان عده‌ای هستند که جامه‌ای دراز بر تن دارند بارپوش‌های گشاد باستین‌های فراخ و بلندو کلاه‌نوک‌تیز از پوست بز سیاه که تا پایین گوش می‌آید دافع خوبی مقابل سرماست.» برگرفته از سفرنامه اوژن فلاندن به ایران

- فارسی بنویسیم

سوپر استار یا اَبَرستاره؟

در خیابان قدم می‌زدم که صدایی از پشت سر توجه‌را جلب کرد. و برگرداندم، آقا رضا را دیدم. در حالی که مقوایی لوله‌شده در دستش بود. به شوخی گفتم: «آقا رضا، همیشه دستت پره!» لیخندی زد و گفت: «این عکس سوپر استار مورد علاقه منه» گفتم: «عجب! پس طرف سوپر استاره. راستی می‌دونی معنی سوپر استار به فارسی چی می‌شه؟» رضا که دوست نداشت به این موضوع وارد شود، با بی‌حوصلگی و تلخی گفت: «بله می‌دونم. خیلی هم خوب می‌دونم. «استاره» یعنی ستاره، «سوپر» هم معنی اثر می‌ده. سرجمع می‌شه ابرستاره. کشتی ما رو!» دیدم رضا حوصله ندارد، کوتاه‌آمدم و خداحافظی کردم.

فردا روی تلفن همراهم یک پیامک از طرف آقا رضا آمد که نوشته بود: «گاهی اشتباه‌ها نه تنها رایج، بلکه افتخار دیده می‌شه. در حالی که اگر به پشت سرمون نگاه کنیم متوجه می‌شیم تمام افتخارات در چنته خودمونه. بابت تندی دیروز پوزش می‌خوام و بابت یادآوری واقعیت‌ها متشکرم.» نفس راحتی کشیدم این بیت از خاطرم گذشت:

بیرون ز تو نیست آن چه در عالم هست

از خود بطلب هر آن چه خواهی که تویی

- فتونکته



- اندک‌صبر

عشق زنجیره‌ای

و شاید پاییز

حکایت عشق زنجیروار برگ‌هاست

هر کدام به‌خاطر دیگری

خود را به‌زمین می‌اندازند

و صدای خش‌خش‌خرد شدن‌شان

در زیر پای ما

آخرین پیچ پچ‌های «دوست‌دارم» است

سمانه‌مظلوم

- دور دنیا

قهرمانی زن دوندۀ ۸۱ ساله ایرانی در مسابقات چین



ورزش -۳- یک زن ۸۱ ساله ایرانی در مسابقات دو میدانی چین به یک مدال طلا و یک نقره رسید. فاطمه حشمتی بانوی ۸۱ ساله شیرازی به تازگی به کشور چین سفر کرده تا در مسابقاتی که برای سالمندان تدارک دیده شده بود، شرکت کند. این زن مسن ایرانی در نهایت با کسب یک طلا و یک نقره به ایران بازگشت. او در رشته دو میدانی و پیاده روی با رقبایانی که هر کدام حداقل ۱۰ یا ۲۰ سال جوان تر از خودش بودند رقابت کرد و مدال گرفت. فاطمه حشمتی بعد از بازگشت به ایران در باره کسب یک افتخار در ۸۱ سالگی گفته است: «برخی اوقات همسن و سال های خودم را می بینم که با عصا یا ویلچر یا به سختی راه می روند. از آن ها می‌خواهم که خود را خانه نشین نکنند، حتی خواهر خودم که دو سال از من کوچک تر است.»

تابوشکنی اینستاگرامی

بورد پاندا- به اشتراک گذاشتن عکس‌های زیبا و بی نقص و ویرایش آن‌ها با فیلترهای متنوع اینستاگرام، یکی از کلیشه‌های هر روزه این صفحه مجازی است. اما «چیچینگ»، دختر ۲۱ ساله چینی که از زندگی‌های غیرواقعی و عکس‌های اغراق شده اینستاگرامی به ستوه آمده بود تصمیم گرفت تا با عکس‌های متفاوتی به این مسئله اعتراض کند. او که یک جهانگرد است، عکس‌های مسافرتش را به ۲۱ کشور دنیا در زشت‌ترین حالت ممکن در اینستاگرامش به اشتراک گذاشته و کلی طرفدار پیدا کرده است! او می‌گوید موقع گرفتن عکس به این فکر می‌کردم که چطور می‌توانم زشت‌تر از همیشه بیفتم!

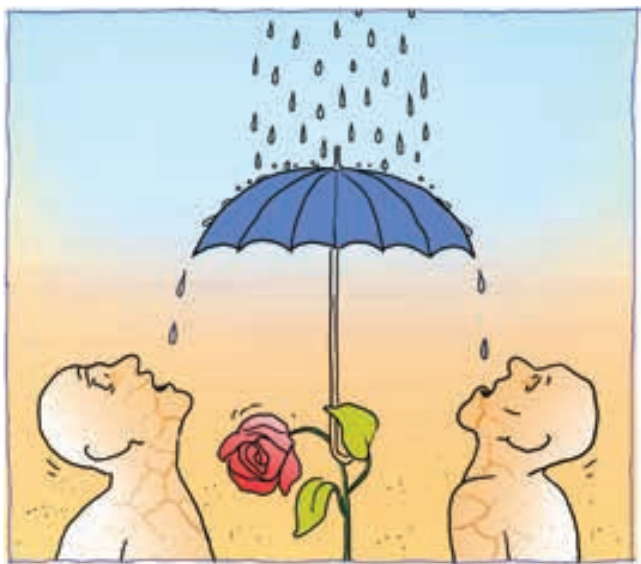
حشره معمار!



انگلیس دارد. به همین دلیل اسم این عنکبوت را Silkhenge گذاشته‌اند.

- ۳ نقطه

کم‌آبی و تشنگی



فرخی یزدی، شاعر لب‌دوخته



بیان کرده است. چند نمونه از اشعارش:

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت
در دفتر زمانه قند نامش از قلم
هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
با آن که جیب و جام من از مال و می تهی ست
چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت
انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی

منبع:راسخون



- شعر طنز

بهترین سوزۀه‌برای خنده!

عکس روی پاکتِ سیگار می‌خندد به من
در محل کارمان همکار می‌خندد به من
گاه از بوی تنم تیشرت می‌گریذ
دختر بر گ کاهی پاره‌شد! از خط من
سوزۀ انسان « دارا » سال‌ها بودم ولی
در خیرهای شبانه‌گر که آید اسم من
هست انباری‌ما خالی ز جنس و تازگی
آن کسی که بار قبلی خنده‌ای بر من نکرد
روی پا باید بمانم هر چه شد؛ مانند شیر



هم بود، زودتر می‌رم سراغ شون. سه تا جمله اول بیشتر رای هیئت داوران رو گرفتند و بقیه هم شایسته تقدیر هستند!

- وقتی آدم رئیس جمهور ینگه دنیا باشه ولی شعورش در حد لنگه کش نباشه.

جلیل وهابی

- وقتی تلفظ خلیج فارس رو بلد نیستی و آقای روحانی مجبور ت کرده بگی خلیج فارس!

- وقتی می‌خوای تو پانتومیم سنجابی رو نشون بدی که از دست همسایه بالایی‌اش عصیانیه.

نیایش صاحب علم

* وقتی وسط سخنرانی چشمت به عکس سلفی سردار سلیمانی کنار خلیج فارس می افته، اون وقته که همه حرف‌ها ت یادت میره و زور می‌زنی یادت بیاد.

* وقتی که قراره احق‌ترین انسان کره زمین رو نشون بدی!

* وقتی که می‌خواد کلمه خلیج فارس رو تلفظ کنه ولی نمی‌تونه!

* وقتی به تیگه غذا لای دندونت گیر کرده و نمی‌تونی درش بیاری جلوی خبرنگارها.

علی اصغر مهدیزاده، مشهد

* اگه به حرفم گوش ندین میرم بابام رو میارم !

* وقتی گند زدی به همه کره زمین و به مامورات میگی فضاپیما رو آماده کنن می‌خوای بری مریخ.

* وقتی سر کلاس تقویتی تاریخ و جغرافیا نشسته و می‌خواد اجازه بگیره بره دست شویی.

حسین قادری

* اوه مامی... اندوشتم اوف سوده...

* وقتی کلی زور می‌زنی به پشه ریزه میزه رو سر انگشتت بلند کنی تا مثلاً بگن چقدر ابرقدرته!

رضا حسین زاده

* وقتی تو اتاق کمیسیون پزشکی برای گرفتن معافیت از سربازی خودت رو می‌زنی به جنون عقلی.

محمدصادق ظهیریان

- دی‌روزنامه

خواهش می‌کنم دیگه شعر نخون!

یکی از مزیت‌های بیشتر آثار هنری در کشور ما این است که مخاطب یک چیزی درباره اش می‌گوید و خود هنرمند یک چیز مخالف دیگر! راه دور نرویم، مثلاً همین سریال «شهرزاد». فصل اولش تقریباً همه مخاطبان از دیدنش لذت می‌بردند و منتظر می‌ماندند تا دوشنبه برسد و نسخه اصلش را تهیه کنند. در حالی که سازندگان با شکسته‌نفسی می‌گفتند این هنوز به جاهای خوبش نرسیده است و منتظر فصل دوشم باشید. فصل دوشم شروع شد و به پایان هم رسید ولی این اختلاف نظر‌ها ادامه داشت، این بار طور دیگر. تقریباً همه مخاطبان از آن ناراضی هستند و می‌گویند این چی بود؟ ولی سازندگان این بار با اعتماد به نفس بالا می‌گویند خیلی هم خوب بود و منتظر فصل بعدش هم باشید.

اصلاً گفته‌های محمد امامی، تهیه‌کننده سریال شهرزاد را با هم بخوانیم: «مردم در پایان فصل سوم برای فصل دوم از ما تشکر خواهند کرد» یعنی شما تصور کنید فصل سومش چه خواهد بود که مجبور می‌شویم برای این فصلی که گذشت ازشان تشکر کنیم! همچنین گفته: «خوشحالم رقیب خودمان شده‌ایم و با فصل اول مقایسه می‌شویم.» راستش با میل و علاقه ما که نبوده است، از روی ناچاری رقیب خودتان شده‌اید. وقتی از کل برنامه‌های تلویزیون «نود» و «خندوانه» و «دورهمی» ببینده دارند، حالا که دو تا از این رقیب‌ها نیستند و جوانمردانه هم نیست که با برنامه ورزشی رقابت کنید، به اجبار شما رقیب خودتان می‌شوید دیگر! امامی درباره نقدهایی که نسبت به فصل دوم شهرزاد در مقایسه با فصل اول مجموعه داشت نیز گفته است: «به قول معروف به داستان آب بستیم.» برادر من، دوران آب بستن گذشته است. الان دیگر به فیلم و سریال‌ها «هوا» می‌بندند. یعنی آن قدر دیالوگ بی‌ربط و شعرخوانی و قصه تعریف کردن و... به زور داخل شان جا می‌دهند که زمانش پر شود. از قدیم هم که گفتند «حرف، باد هواست!» در پایان، تهیه‌کننده در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است فصل‌های دیگری هم در کار باشد؟ نیز گفته است: «قصه در فصل سوم تمام می‌شود. البته قصه شهرزاد پتانسیل ادامه دادن را دارد و می‌توان از دل آن، دیگر کاراکترها را بیرون کشید و سرگذشت آن‌ها را تعریف کرد.» یعنی در نهایت آب پاک‌ی را روی دست مان ریخته که اگر این قدر غر بزیم، توانایی‌اش را دارند برای تک تک شخصیت‌های سریال یک سریال جداگانه سه فصلی بسازند که گریه کنان التماس کنیم تماشاش کنند!

علیرضا کاردار

- تاحالا دقت کردین



تصویر ساز: سعید مرادی

- ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* تلفظ انگلیش آموزی روز یک شنبه مجور نیست. مچر هست، با کسره پایین تلفظ می‌شه mecher

* برای گزارش نابینایان باید بگم به دانشگاه اختصاصی نیاز نداریم و توقع ما بیشتر مناسب سازی فضای دانشگاه خودمان است.

* گزارش‌های یک مریخی جالب است ولی کاش داستانش پشت سر هم چاپ بشود.

* عکس کمک مردم برای بیرون کشیدن هواپیما از داخل آب خیلی زیاده بود، ممنون

* سمانه جان همسر خوب و بی نظیرم، نمی‌دانم چطور می‌باید جواب خوبی‌هایت را بدهم. خیلی ممنونم که با تمام سختی‌های زندگی کنارم هستی. محمد، جاجرم

* آرامش بخش ترین نقطه زمین و زیباترین تصویر دنیا و لذت بخش ترین لحظات زندگی زمانی است که من و همسر گلم کنار هم هستیم.

پاسخ خفن استرپیپ شماره قبل: فراری-بی‌توته-

اسکواش